



عکس دسته جمعی در سالن اجتماعات

این را بگویم که در اتوبوس هنگام حرکت از راه آهن به سمت شرکت کشتی سازی که بودیم، امیرحسین که مسئول بازدید بود، از من به عنوان عقبه‌ی مطلعی که چندبار به این شرکت آمده بودم پرسید: «حوضچه خشک و حوضچه آرام کشتی دقیقا چی هستن و چه فرقی با هم دارن؟» در اولین برخوردها با امیرحسین عزیز، باید میتوانستم این سطح از تخصص خود را به عنوان بزرگتر نشان داده و جواب دقیقی به سوال او بدهم، اما واقعا چیزی نمیدانستم. مقداری اعتماد به نفس خرج کردم و با فکر کردن به معنای لغاتی که شنیده بودم، گفتم: حوضچه خشک جایی است که کشتی وارد آن میشود، آب آن را خالی میکنند و هر وقت خشک شد، به تعمیرات کشتی می پردازند. حوضچه آرام هم که مشخص است! جایی که کشتی وارد آن میشود و آب درون آن را طوری مدیریت میکنند که از امواج پر تلاطم ساحل، آرام و در امان بماند! او همان موقع تشکر کرد و رفت اما حالا این من بودم که دعا می کردم درست گفته باشم و موقع بازدید از حوضچه خشک، تبدیل به یک عقبه‌ی غیرمتخصص و خالی بند نشوم!

خدارا شکر همین طور هم شد. درست حدس زده بودم. به محض پیاده شدن از اتوبوس و دیدن حوضچه خشک نفس راحتی کشیدم. گام‌های محکمی به سمت امیرحسین برداشتم و به او گفتم: این هم همان حوضچه خشک است. پسر مودبی بود و باز هم تشکر کرد. کارمند واحد روابط عمومی در این

بود کلیپ معرفی شرکت را نمایش دهند که به علت نقص فنی همیشگی سالن‌های همایش، پخش نشد. نفر دومی که همراه ما بود، یعنی همان کارمند واحد روابط عمومی، به جایگاه رفت و درخواست کرد بچه‌ها سوال هایشان را بپرسند. چند سوال پرسیده شد و چند پاسخ بسیار گرد و کلی - به سبک مسئولین روابط عمومی شرکت ها که قائلند همه چیز خوب است - به سوالات داده شد. مثلا در پاسخ به این سوال که آیا مشتری خارجی برایش سود دارد از شرکت شما خرید کند، گفته شد که بله سود دارد چون درآمدهایمان دلاری و مخارجمان تومانی است، میتوانیم با قیمت کمتری نسبت به رقبا محصولاتمان را بفروشیم! احتمالا بعد از شنیدن این میزان درآمد دلاری شرکت، نیروهای خدماتی مخصوصا راننده‌های اتوبوس‌ها حسابی اذیت شده‌اند! این بخش از بازدید با ۱۵ دقیقه استراحت کردن روی صندلی‌های گرم و نرم به پایان رسید. بخش بعدی، بازدید از حوضچه‌های خشک و آرام کشتی بود.



عکس دسته جمعی کنار حوضچه‌ی خشک